

نلی ازیلان زیر پیل

حسین مشرف

اثر

۱، ۲، ۲، ۴

• چهاردهان

• چهاردهانه پیل

باریکه آبی ازدهانه پیل ها می گذرد. اشک؟

دیرگاهی است که کبکان همه خاموش شدند.

باباریکه خونی ازلب (ها)

• وچشمانی باز

« - این که توماج است! »

سکوت ازدهانه پیل هامی گذرد.

« - این که تواق است! »

سکوت از دهانه پیل هامی گذرد.

« - این که جرجانی است! »

سکوت ازدهانه پیل هامی گذرد.

« - این که برادر من است! »

پیل ازدهانه سکوت می گذرد،

وعابران ازبیل .

ستم چه بویی دارد؟

” – ها ؟ چی گفتی ؟

من فقط به دهانهٔ بیل دهانگاه کردم ،

وازدهان بیل هاشنیدم :

باشتم آمداین آیین ،

گشتن سواران و

به انتظار سواری ماندن .

” – چی گفتی ها ؟ “

دهانهٔ بیل هاست که بازاست و

سوت ،

ازدهانهٔ بیل هامی گذرد .

حسین مشرف

۱۹۸۲ – ژانویه ۱۹۹۴